



درس آشنایی با مقدمات تفسیر استاد سید مجتبی نوره مفیدی

موضوع کلی: روش‌های تفسیری

موضوع جزئی: آغاز تفسیر

سال: سوم

تاریخ: ۳۱ فروردین ۱۳۹۲

مصادف با: ۹ جمادی الثانی ۱۴۳۴

جلسه: ۳۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

سیر اجمالی شکل‌گیری تفسیر

۱- عصر پیامبر (ص)

بحث ما درباره روش‌های تفسیری بود، مقدماتی را در این رابطه ذکر کردیم، قبل از ورود به بحث از روش‌های تفسیر مناسب است مروری بر آغاز تفسیر داشته باشیم، البته همان طور که گفته شد می‌توان مسئله تفسیر را به حسب ادوار مختلف هم مورد بررسی قرار داد اما بحث از ادوار تفسیر را بعد از بیان روش‌ها به صورت تطبیق عرض خواهیم کرد. اگر بخواهیم زمانی را برای ابتدای تفسیر بیان کنیم، زمان خود پیامبر (ص) تفسیر قرآن شروع شده و از روایاتی که در این رابطه وارد شده اجمالاً این مطلب قابل استفاده است که پیامبر (ص) شخصاً به تفسیر و تبیین آیات می‌پرداختند؛ مثلاً در روایتی از امام صادق (ع) وارد شده که حکم نماز بر پیامبر (ص) نازل شد لکن رکعات نماز در آن بیان نشده بود و پیامبر (ص) آن را بیان کرد، یا مثلاً در مورد جزئیات حج در قرآن چیزی بیان نشده و جزئیات آن توسط پیامبر (ص) بیان شده که این روایات در اصول کافی آمده است.^۱ اصل این مسئله که قرآن توسط پیامبر (ص) تفسیر شده و مطالب مجمل و پیچیده قرآن را تبیین می‌کرده در اکثر کتب علوم قرآنی وارد شده است. سیوطی در کتاب الاتقان مجموعه روایات تفسیری پیامبر (ص) را نقل کرده است؛^۲ مثلاً در ذیل آیه شریفه «وَلَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ»^۳ وارد شده که پیامبر (ص) «خیر» در این آیه را به پیروی از احکام قرآن و سنت خودش تفسیر کرده است، البته بحثی اینجا وجود دارد که آیا پیامبر (ص) همه آیات قرآن را و همزمان با نزول آیات تفسیر می‌کرده یعنی هر گاه آیه‌ای نازل می‌شد یا بر اساس سؤال مردم یا اشخاص خاصی و یا ابتدائاً خود پیامبر (ص) به تفسیر و تبیین آیات می‌پرداخته یا اینکه در موارد خاصی که مثلاً از ایشان سؤال می‌شد آیات را تفسیر می‌کردند و یا اگر ضرورتی وجود داشت به تبیین و تفسیر آیات مبادرت می‌کردند، این مسئله محل اختلاف است؛ بعضی قائلند که پیامبر (ص) هم زمان با نزول آیات به تفسیر قرآن اقدام می‌کردند و برخی دیگر معتقدند در موارد خاصی این کار صورت گرفته است، با توجه به بعضی قرائن اصح آن است که پیامبر (ص) همه آیات را برای مردم تفسیر کرده لکن در تفسیر و تبیین آیات هم متناسب با سطح فهم و درک مخاطبین یا

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶.

۲. الاتقان، ج ۴، ص ۲۴۴.

۳. آل عمران/ ۱۰۴.

شخص سائل، مطالب قرآن تبیین می‌شده؛ مثلاً برای امیرالمؤمنین (ع) همه مطالبی را که در مورد آیات لازم بوده اعم از شأن نزول، تفسیرها و تأویلات و تبیین متشابهات، انجام داده‌اند، امیرالمؤمنین (ع) در روایتی فرموده: هیچ آیه‌ای از قرآن بر رسول خدا (ص) نازل نشده جز اینکه پیامبر (ص) آن آیه را برای من قرائت کرد و املاء فرمود و تأویل و تفسیر و ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و خاص و عام را ذکر کرد و من به خط خودم آن را نوشتم، پیامبر (ص) هم از خداوند متعال خواست که قدرت فهم و حفظ آن را به من عطا کند، این قرآن بعداً به مصحف علی (ع) شهرت پیدا کرد، این مصحف همان گونه که ما قبلاً هم به آن اشاره کردیم مشتمل بر همه این موارد است که اگر آن مصحف از طرف کمیته معروف یکسان سازی مورد پذیرش قرار می‌گرفت شاهد این همه اختلاف در قرائات و تفسیر و تأویل‌های مربوط به قرآن نبودیم، نفس وجود این مصحف به اعتبار این روایات نشان دهنده این است که پیامبر اکرم (ص) حداقل برای امیرالمؤمنین (ع) تمام آیات قرآن را تفسیر کرده است، لذا این مطلب قرینه محکمی است بر اینکه ما نظر دوم را تأیید کنیم و ادعا کنیم پیامبر (ص) همه آیات قرآن را فی‌الجمله برای اشخاصی مثل علی (ع) تفسیر کرده است.

بعلاوه طبری از ابن مسعود نقل می‌کند که هر یک از ما وقتی ۱۰ آیه را فرا می‌گرفت از آن عبور نمی‌کرد مگر آنکه بر معانی آن آگاه می‌شد.^۱ پس اصل تفسیر از زمان پیامبر (ص) شروع شده و ایشان آیات قرآنی را برای عده‌ای که در رأس آنها امیرالمؤمنین (ع) بوده تفسیر کرده، البته برای دیگران به اندازه‌ای که به امیرالمؤمنین (ع) آموخته شده نبوده است. پس اگر بخواهیم بگوییم آغاز تفسیر چه زمانی است می‌توان ادعا کرد آغاز تفسیر قرآن در عصر پیامبر (ص) و توسط شخص پیامبر (ص) بوده است.

۲- عصر صحابه

بعد از رحلت پیامبر (ص) صحابی ایشان هم مرجع تفسیر و تبیین آیات بودند یعنی مهم‌ترین مرجع در تفسیر و تبیین آیات صحابی پیامبر (ص) بوده‌اند که میزان فهم و دانش و درک هر یک از آنها با دیگری متفاوت بوده است، صحابی یک معنای عامی است که شامل کسانی که دوره طولانی یا یک دوره کوتاه پیامبر (ص) را درک کرده‌اند می‌شود. در بین صحابی بعضی نسبت به تفسیر قرآن اهتمام بیشتری داشته و در مقابل برخی دیگر اهتمام کمتری داشته‌اند، در رأس کسانی که نسبت به تفسیر قرآن اهتمام بیشتری از خود نشان داده‌اند می‌توان نام علی بن ابیطالب (ع) را ذکر کرد، بعد از ایشان هم ابن عباس، ابن مسعود و ابی بن کعب از جمله کسانی هستند که بیشترین اهتمام را نسبت به تفسیر قرآن داشته‌اند، البته ابن عباس در بین سایرین به غیر از امیرالمؤمنین (ع) از یک موقعیت ویژه‌ای برخوردار است، شناخت تفسیری همه این افراد هم به امیرالمؤمنین (ع) بازگشت می‌کند، یعنی تفسیر در درجه اول از پیامبر (ص) شروع شده و اگر بخواهیم شخص دومی را در این رابطه ذکر کنیم کسی جز علی (ع) نیست و کتب مختلف از شیعه و سنی هم بر این مطلب شهادت داده‌اند، سیوطی می‌گوید: بیشترین روایات از علی (ع) است و از خلفاء دیگر، روایات کمتری در رابطه با تفسیر قرآن نقل شده

۱. جامع البیان، ج ۱، ص ۲۷.

است.^۱ زرکشی علی (ع) را صدر المفسرین دانسته است.^۲ ذهبی می‌گوید: در میان صحابه آگاه‌ترین صحابی به ویژگی‌های نزول و شناخت تأویلات علی (ع) است.^۳ آنچه ذکر شد مطالبی است که صاحبان کتب علوم قرآنی ادعا کرده‌اند، مهمتر از مطالبی که این اشخاص گفته‌اند نقل خود صحابه است، محل رجوع همه صحابه امیر المؤمنین (ع) بوده کما اینکه ابن عباس می‌گوید: «ما اخذتُ عن تفسیر القرآن فعن علی بن ابیطالب (ع)»؛ هر چه در تفسیر یاد گرفته‌ام از علی (ع) است،^۴ البته ابن عباس در زمان رحلت پیامبر (ص) تقریباً ده یا دوازده سال بیشتر نداشته و مدت کمی پیامبر (ص) را درک کرده است ولی در عین حال به عنوان رئیس المفسرین شناخته شده و روایتی هم از پیامبر (ص) درباره او وارد شده که حضرت می‌فرماید: «لکل شیءٍ فارسٌ و فارس القرآن ابن عباس»^۵؛ هر چیزی سوارکاری دارد و کسی که سوار بر مطالب قرآن است ابن عباس است، لذا ابن عباس را پدر تفسیر می‌دانند، حال این ابن عباس که به عنوان پدر تفسیر معرفی شده می‌گوید: هر چه در تفسیر یاد گرفته‌ام از علی (ع) است.

از جمله صحابی مهم که در امر تفسیر شهرت پیدا کرده ابن مسعود است، او می‌گوید قرآن بر هفت حرف نازل شده و هیچ حرفی از آن نیست مگر اینکه ظاهر و باطنی دارد و بدرستی که علی (ع) علم آگاهی به ظاهر و باطن قرآن را داراست، این کلام با روایتی هم که از امیر المؤمنین (ع) هم نقل شد منطبق است که حضرت فرمود: پیامبر (ص) همه مطالب قرآن را برای من املاء فرمود و من هم آنها را مکتوب نمودم. پس اگر بخواهیم بعد از پیامبر (ص) شخص دومی را برای تفسیر و تبیین آیات قرآن ذکر کنیم، کسی جز علی (ع) نیست، نه به اعتبار اینکه شیعه نسبت به امیر المؤمنین (ع) تعصب خاصی دارد و این ادعا را می‌کند بلکه این مطلب به اذعان خود صحابه است و روایاتی هم در این رابطه در جوامع روایی اهل سنت وارد شده و مؤلفین کتب علوم قرآن هم روایاتی را دال بر این مطلب نقل می‌کنند لذا اساس تفسیر به امیر المؤمنین (ع) می‌رسد. بعد از پیامبر (ص) و امیر المؤمنین (ع) می‌شود ادعا کرد که ابن عباس از ارکان تفسیر قرآن است و علت اینکه به عنوان پدر تفسیر شناخته شده اهتمامی است که به این امر داشته و به یک معنی نزد امیر المؤمنین (ع) تلمذ کرده و بخش‌هایی از حقایق قرآن را از علی (ع) یاد گرفته است و الا اصل تفسیر از زمان پیامبر (ص) به وسیله خود پیامبر (ص) و بعد از رحلت ایشان هم توسط امیر المؤمنین (ع) بوده است اما اگر پیامبر (ص) و امیر المؤمنین (ع) را کنار بگذاریم در رأس مفسرین، ابن عباس قرار دارد که امیر المؤمنین (ع) درباره او می‌فرماید: او به مسائل و حقایق قرآن از ورای پرده ظریفی نگاه می‌کند.^۶ یعنی شاگردی است که به خوبی از عهده امر تفسیر بر آمده است.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. الاتقان، ج ۴، ص ۲۳۳.
 ۲. البرهان، ج ۲، ص ۱۵۷.
 ۳. التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۸۹.
 ۴. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۱۰۵.
 ۵. همان، ج ۲۲، ص ۳۴۳.
 ۶. الاتقان، ج ۲، ص ۳۱۹.